Genealogy of Metal War Instruments of Timurid Period from Zafarnameh Sharaf al-Din Ali Yazdi (Case Study: Paintings of Shiraz School in 839 AH and Herat in 872 AH)

Shahryar Shokrpour *
Assistant Professor, Faculty of Islamic Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.
Zahra Mehdypour Moghaddam
Ph.D student in Islamic Arts, Faculty of Islamic Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Abstract
Iran has always required many trained armies with great fighting power, given the structure of its governments, the constant pressure and threats from domestic enemies, as well as on the borders of the territory of the rulers by the aggressors throughout history. This requires appropriate combat equipment, in addition to those with high military might. Meanwhile, the metal war instrument manufacturing industry has long been one of the most important ancient arts in Iran, and in the Timurid era, especially Amir Timur Gorkani, the corps became the most important pillar of its government and authority. In this period, with the transformation of the industry, metalworkers hand-crafted warfare and skilled workers who reached the peak of perfection by making war tools of steel and gold decorations. The main reason for this can be in the interest, support and encouragement of timurid rulers as well as the expansion of the country's political and business ties with other governments. Its reflection can be seen in one of the historical books left from the Timurid era- Zafarnameh Yazdi. Timurid Zafarnameh was written by Sharaf al-Din Ali Yazdi at the request of Shahrokh's son, Ibrahim Sultan, which is about life, army and conquests of Timur Gurkani and has always been considered in schools such as Shiraz School in 839 AH and Herat School 872 AH by historians. Of course, from this book, several illustrations, including a copy containing 14 images from 839 AH belonging to the Shiraz School of Ibrahim Sultan Teymouri is noteworthy. Another version of 872 AH including six paintings, some of which belong to the Herat workshop, are attributed to Kamal al-Din Behzad. Another example belongs to the Herat school attributed to Kamal al-Din Behzad in 935 AH and another version of the early Safavid period. There is a copy of the book, which features six pairs of two-page paintings illustrated by Kamal al-Din Behzad and for Sultan Hussein Bayqara as well. To conduct the study, 7 paintings belonging to Shiraz School 839 AH and Herat 872 AH, out of a total of paintings related to Razm and Peykar according to the source, Zafarnameh Sharafeddin Ali Yazdi were randomly selected and analyzed. It can be said that painting reflects the various arts of its era, and the artworks of each historical period are the abstracts of artists' worldviews and their perceptions of the universe and its surroundings. In such a way that the scholars have always used man-made objects such as metal tools to convey the concept of their subject, including combat and peykar, along with all elements of nature. The present study attempted to analyze the descent of metallic devices based on genealogical approach and their forming in the paintings of Shiraz and Herat School of Timurid, derived from the Book of Zafarnameh Sharafeddin Ali Yazdi, and answer the question: What is the structure and functional diversity of metallic devices depicted in Timurid painting based on Zafarnameh Yazdi's book? The aim of this study was to analyze, categorize and genealogically identify timurid metallic devices in painting from their physical and functional aspects. Because genealogy, as Nietzsche founded and Foucault expands, is nothing different from history. Nietzsche considered the nature of existence to be historical and believed that all existing phenomena have been formed in history. Also, in Foucault's view, the unique characteristic of genealogy is the history of seeing the phenomenon studied because every cogent has its roots in life, society and the language that make up history. It can be said that genealogy is history itself, a history that is properly written. The findings of this study, which have been done by historical method and genealogical approach and library-based data collection, have been investigated deeply on a phenomenon - metallic devices - in the special field of self-painting in Iran, stating that the genealogical approach, which is the historical of seeing the phenomenon under study, can help many to understand the combat devices of the Timurid era. It also states that all metal combatants have applied to the timurid government and their authority, which has varied depending on the time and their multiplicity for this purpose. Physically, the warriors probably had forms that were used in the past and even in the later ages with few changes.

Keywords: genealogy, metal warfare tools, miniatures, Zafarnama by Sharaf al-Din Ali Yazdi, Timurid.

* Email (corresponding author): sh.shokrpour@tabriziau.ac.ir

دوفصلنامه‌ی هنرهای صناعی اسلامی سال ششم • شماره ۱ • بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحات: ۱۵۷-۱۴۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰ ♦♦ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

تبارشناسی رزم‌افزارهای فلزی عصر تیموری از ظفرنامهٔ شرف‌الدین علی یزدی (مطالعهٔ موردی: نگاره‌های مکتب شیراز ۸۳۹ ه.ق و هرات ۸۷۲ ه.ق)

دکتر شهریار شکرپور*
استادیار دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
زهرا مهدی‌پورمقدم
دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

چکیده
کتاب ظفرنامهٔ تیموری به تقاضای پسر شاهرخ- ابراهیم سلطان- توسط شرف‌الدین علی یزدی نگارش شده است که در باب زندگی، لشکرکشی‌ها و فتوحات تیمورگورکانی بوده و همواره مورد توجه نگارگران در مکاتبی همچون مکتب شیراز به سال۸۳۹ه.ق و مکتب هرات ۸۷۲ه.ق قرار گرفته است. درواقع، نگارگری بازتاب‌دهندهٔ هنرها و صناعات مختلف دورهٔ خویش است. نگارگران همواره برای رساندن مفهوم موضوع مورد نظر خود ازجمله رزم و پیکار، درکنار تمام عناصر طبیعت، از اشیای دست‌ساختهٔ بشر همانند ابزارآلات فلزی نیز بهره گرفته‌اند. بنابراین، آثار هنری هر دورهٔ تاریخی، چکیدهٔ جهان‌بینی هنرمندان و برداشت آن‌ها از هستی و پیرامون آن است که شناخت این آثار و تحلیل عناصر به‌کار رفته در آن‌ها را، باید با درنظرگرفتن شرایط تاریخی و فرهنگی همان دوره مورد پژوهش قرار داد. و تبارشناسی، روشی است که پدیده‌ها را در تطور تاریخی‌شان بررسی می‌کند و با شناسایی صورت‌بندی‌های تاریخی پدیده‌ها، جایگاه انتقادی مناسبی برای فهم آن‌ها پدید می‌آورد. پژوهش حاضر در تلاش بوده است تا با تکیه بر رویکرد تبارشناسی، به تحلیل تبار ادوات فلزی شناسایی‌شده و صورت‌بندی آن‌ها در نگاره‌های رزم مکتب شیراز و هرات تیموریِ برگرفته از کتاب ظفرنامهٔ شرف‌الدین علی یزدی بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که ساختار و تنوع کارکردی ادوات فلزی تصویرشده در نگارگری دورهٔ تیموری براساس کتاب ظفرنامهٔ یزدی بر چه اساسی است؟ بنابراین، هدف از انجام این پژوهش، تحلیل، دسته‌بندی و تبارشناسی ادوات فلزی تیموری در نگارگری ازجنبهٔ کالبدی و کارکردی آن‌هاست. یافته‌های حاصل از این پژوهش که به روش تاریخی انجام شده‌اند، بیان می‌کنند رویکرد تبارشناسی که همانا تاریخی‌دیدنِ پدیدهٔ مورد مطالعه است، می‌تواند کمک بسیاری به شناخت ادوات رزم عصر تیموری نماید. تمامی رزم‌افزارهای فلزی، کاربردی برای رزم و اقتدار حکومت تیموری داشته‌اند که به فراخور زمانی، تعدد آن‌ها جهت کاربرد، متغیر بوده است. از لحاظ کالبدی نیز رزم‌افزارها احتمالاً اَشکالی بوده‌اند که در گذشته و حتی اعصار بعدی نیز با اندک تغییراتی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

واژگان کلیدی:
تبارشناسی، رزم‌افزارهای فلزی، نگارگری، ظفرنامه، تیموری.

* مسئول مکاتبات: sh.shokrpour@tabriziau.ac.ir

مقدمه

ایران، همواره با توجه به ساختار حکومت‌هایش، فشار و تهدیدهای پیاپی از سوی دشمنان داخلی و نیز در مرزهای قلمرو حکام از سوی متجاوزان در طول تاریخ، نیاز به سپاهیان ورزیده و آموزش‌دیده با قدرت جنگاوری بسیار داشته است که این امر، علاوه‌بر وجود افرادی با توان نظامی بالا، مستلزم داشتن ادوات جنگی مناسب نیز است. در این بین، صنعت ساخت ابزارآلات جنگی فلزی از دیرباز، یکی از مهم‌ترین هنرهای کهن در ایران بوده است که در عصر تیموریان، به‌ویژه امیر تیمور گورکانی، نیز سپاه به مهم‌ترین رکن حکومت و اقتدارش تبدیل شد. در این دوره، با تحول و دگرگونی در این صنعت، فلزکاران چیره‌دستی و مهارتشان را با ساخت ابزارآلات جنگی از پولاد و تزئینات طلا به اوج کمال رساندند. علت اصلی این امر را می‌توان در علاقه‌مندی، حمایت و تشویق حُکّام تیموری و نیز گسترش روابط سیاسی و تجاری‌کشور با دیگر دولت‌ها به‌شمار آورد (Masoudi et al, 2015, p.1) و بازتاب آن را می‌توان در یکی از کتب تاریخی برجای مانده از عصر تیموری یعنی ظفرنامهٔ یزدی و نیز نسخه‌های متعدد تصویرشده از آن، در عصر تیموری با رویکرد تبارشناسی مورد پژوهش قرار داد.

تبارشناسی، آن‌گونه که نیچه بنیان نهاده و فوکو بسط می‌دهد، چیزی متفاوت از تاریخ نیست. نیچه ماهیت هستی را امری تاریخی به‌شمار می‌آورد و بر این باور است که تمامی پدیده‌های موجود، در تاریخ شکل گرفته‌اند. همچنین، از نظر فوکو، ویژگی منحصربه‌فرد تبارشناسی، تاریخی دیدنِ پدیدهٔ مورد مطالعه است، زیرا هر شناختی ریشه در زندگی، جامعه و زبانی دارد که تاریخ را تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت که تبارشناسی خودِ تاریخ است، تاریخی که به‌درستی نوشته شده است. بنابراین، بر مبنای این رویکرد می‌توان به بررسی ادوات رزم‌فلزی در یک دورهٔ تاریخی- عصر تیموری- پرداخت که هدف از انجام این پژوهش تحلیل رزم‌افزارهای فلزی تیموری و کاربرد و شکل آن‌ها در نگارگری مکتب شیراز ۸۳۹ ه.ق و هرات ۸۷۲ ه.ق، است که با توجه به کتاب ظفرنامهٔ یزدی تصویر شده‌اند. لذا برای پیشبرد هرچه بهتر تحقیق، پاسخ‌گویی به پرسش مطرح‌شده در زیر، اساس پژوهش واقع شده است: ساختار و تنوع کارکردی ادوات فلزی تصویرشده در نگارگری دورهٔ تیموری براساس کتاب ظفرنامهٔ یزدی بر چه اساسی است؟

۱. روش پژوهش

این پژوهش که به روش تاریخی و رویکرد تبارشناسی و گردآوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای انجام گرفته، به بررسی ژرف یک پدیده- ادوات فلزی- در زمینهٔ ویژه خود- نگارگری ایران- می‌پردازد. و بر پایهٔ این شالوده نظری استوار است که هر پدیده و رویدادی در زمینهٔ طبیعی خود باید معنا شود و نمی‌توان جداگانه آن را بازشناخت. همچنین، با توجه به اینکه پژوهش حاضر، از نوع تاریخی و روش تجزیه و تحلیل آن کیفی است، هیچ‌گونه رابطهٔ علت و معلولی وجود ندارد. بنابراین، با جامعهٔ آماری سروکار نداریم و تمامی ادوات فلزی در این پژوهش مدنظر است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که از این کتاب، چندین نسخه تصویرپردازی شده است، ازجمله نسخه‌ای شامل چهارده نگاره به سال۸۳۹ ه.ق متعلق به مکتب شیراز ابراهیم سلطان تیموری که اکنون در بنیاد کورکیان نیویورک قرار دارد. نسخهٔ دیگر به سال۸۷۲ ه.ق شامل شش نگاره بوده که برخی از آن‌ها متعلق به کارگاه هرات، منسوب به کمال‌الدین بهزاد و اکنون در کتابخانهٔ دانشگاه پرینستون نگهداری می‌شود. نمونهٔ دیگر متعلق‌به مکتب هرات منسوب به‌کمال‌الدین بهزاد در سال ۹۳۵ ه.ق و نسخه‌ای دیگر مربوط به اوایل دورهٔ صفویه که در موزهٔ هنر ترکی و اسلامی ترکیه قرار دارد، و نیز یک نسخه از این کتاب که دارای شش جفت نگاره دوصفحه‌ای بوده که توسط کمال‌الدین بهزاد و برای سلطان حسین بایقرا تصویرسازی شده است که امروزه جزو مجموعهٔ رابرت گارت است (Rahnavard, 2007, p. 79) که از میان آن‌ها، تعدادی نگاره متعلق به مکتب شیراز ۸۳۹ ه.ق و هرات ۸۷۲ ه.ق، از مجموع نگاره‌های مربوط به رزم و پیکار با توجه به منبع موردنظر، ظفرنامهٔ شرف‌الدین علی یزدی به‌صورت تصادفی انتخاب، بررسی و تحلیل می‌شوند. با توجه به اینکه از فلزکاری دورهٔ تیموری آثار اندکی به‌دست آمده است، متون ادبی همچون ظفرنامه‌ها و نگاره‌های برگرفته از این متون، می‌تولند در شناساندن رزم‌افزارهای فلزی عصر تیموری، کمک شایان توجهی نماید.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در این راستا، می‌توان به برخی کتب و مقالات زیر اشاره نمود: کتاب «ارتش شاهنشاهی ایران (از کوروش تا پهلوی)» از یحیی ذکاء (۱۳۵۰)، «ظفرنامه، تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی (ماجرای خونین قتل‌عام شهرهای ایران» از نظام‌الدین شامی (۱۳۶۳)، «تاریخ چهارهزارسالهٔ ارتش ایران: جنگ و جنگاوری بر فلات ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰ خورشیدی» از اسدالله معطوفی (۱۳۸۲)، «تاریخ تحولات سیاسی- اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی ایران در دورهٔ تیموریان و ترکمانان» از حسین میرجعفری (۱۳۸۵)، «مکتب نگارگری شیراز» و «مکتب نگارگری هرات» از یعقوب آژند (۱۳۸۷)، «نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)» از یعقوب آژند (۱۳۸۹)، «سیر و صور نقاشی ایران» از آرتور پوپ (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمانی تاریخ (گفتمان جنگ و تدبیر در تاریخ میلنهٔ ایران)» از فاطمه رستمی (۱۳۹۷)، «دایرةالمعارف مصور جنگ‌افزار: تاریخچهٔ سلاح‌های جنگی از عصر برنز تا عصر ترور» از گرت جونز (۱۳۹۸) و همچنین کتاب « Arms and Armor from Iran: The bronze age to the end of Gajar priod» از منوچهر مشتاق خراسانی (۲۰۰۶) که به

تحلیل موشکافانهٔ جنگ‌افزارها و جوشن‌های ایرانی از دوران پیش از تاریخ تا پایان دوران قاجار پرداخته است.

مقالهٔ «شرف‌الدین علی یزدی و ظفرنامهٔ او» از حسین احمدی (۱۳۷۹)، «بهزاد و نسخهٔ ظفرنامهٔ تیموری ۹۳۵ هجری» از گیتی نوروزیان (۱۳۸۶)، «کتاب‌آرایی ظفرنامه‌ها در مکتب شیراز، بررسی سه‌نسخه ظفرنامه در سده‌های نهم و دهم» از گیتی نوروزیان (۱۳۸۶)، «نگارگری ایران در دوران تیموری (عصر طلایی نگارگری ایران) از مهدی زرین‌ایل و وحید کارگر جهرمی (۱۳۹۱)، «پژوهشی بر هنر فلزکاری دورهٔ تیموری» از ذبیح‌الله مسعودی، علی‌اصغر محمودی‌نسب و اسماعیل معروفی‌اقدم (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی پوشاک رزم بر اساس مطالعهٔ نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز» از محمدابراهیم زارعی و مریم دولتی (۱۳۹۶)، «هنر نگارگری و نقاشی دورهٔ آل جلایر و تأثیر آن بر شکل‌گیری مکتب نگارگری هرات دورهٔ تیموریان» از سجاد کاظمی و عبدالحسین میلانی (۱۳۹۶)، «بررسی فرم، نقش و تزئینات ابزارآلات جنگی عصر تیموری و بازتاب آن در نگاره‌های مکتب هرات» از الهه رضانژاد و سید ماهیار شریعت‌پناهی (۱۳۹۷). در زمینهٔ تبارشناسی نیز می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: «ده گام اصلی روش‌شناختی در تحلیل تبارشناسانهٔ فرهنگ با اتکا به آرای میشل فوکو» از حسین کچویان و قاسم زائری (۱۳۸۸)، «تبیین و بررسی مبانی معرفتی تبارشناسی میشل فوکو» از مهدی حسین‌زاده یزدی، منیره زین‌العابدینی رنانی و سید محسن ملاباشی (۱۳۹۴)، «قدرت، تاریخ و تبارشناسی: فریدریش نیچه و میشل فوکو» از آندریوس بیلسکی، ترجمهٔ پرستو منتشلو و عارف نریمانی (۱۳۹۵). بنابراین با بررسی کتب و مقالات فوق‌الذکر، می‌توان گفت که پژوهشی در راستای شناخت رزم‌افزارهای فلزی عصرتیموری بر مبنای کتاب ظفرنامهٔ علی یزدی و براساس رویکرد تبارشناسی انجام نگرفته است.

۳. مبانی‌نظری

در این پژوهش برآنیم تا با توجه به تبارشناسی، براساس آنچه فریدریش نیچه و میشل فوکو در نظریاتشان بنیان نهاده‌اند، به بررسی رزم‌افزارهای فلزی عصر تیموری بپردازیم که بر مبنای کتاب ظفرنامهٔ یزدی تصویرسازی شده‌اند. اساساً، نیچه تبارشناسی را در مطالعهٔ تاریخ به‌کار گرفت تا نشان دهد تعریف مفاهیم بر مبنای ذاتی آن و توصیف مفاهیم با صفات خوب یا بد، ریشه در خاستگاهی تاریخی دارد که به فراموشی سپرده شده است (Simons, 2011, p. 50). فوکو نیز به تأثیر از نیچه بیان می‌کند که «تبارشناسی ... به‌منزلهٔ تاریخ واقعی تعیین می‌شود.» (Kachuiyan et al, 2009, p۱۳). در واقع؛ تبارشناسی مدعی است که یک پدیده، همچون ادوات فلزی رزم و پیکار، همواره به همین شکلی که در حال حاضر هست، نبوده است و آن را در یک تطوّر تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد و راه را برای نقد آن پدیده در زمان حاضر فراهم می‌آورد. بنابراین، تبارشناسی به‌مثابهٔ نظریه و روش نشان می‌دهد که چه مفاهیم و پدیده‌های فلزی مورد استفاده در پیکار و رزم، در نگاره‌های رزم تیموری مکاتب شیراز۸۳۹ ه.ق و هرات ۸۷۲ ه.ق که براساس کتاب تاریخی ظفرنامهٔ یزدی به تصویر درآمده‌اند، معتبر یعنی پدیده‌هایی که به میزان بیشتری در نگاره‌ها تکرار شده‌اند و یا نامعتبر؛ پدیده‌هایی با کمترین تکرار در بین‌نگاره‌ها شناخته می‌شوند. می‌توان گفت که تبارشناسی به عنوان شیوه‌ای برای توصیف آرشیوی از قواعد نهفته است که در عصر و زمانه‌ای خاص رایج هستند.

٤. نگاهی به نسخهٔ ظفرنامهٔ تیموری شرف‌الدین علی یزدی

با روی کارآمدن امیر تیمور، تحول در دو نهاد امارت و وزارت صورت گرفت. اولین بار و با حمایت جدی تیمور به مقولهٔ ثبت تاریخ و شرح لشکرکشی‌ها توجه شد. اگرچه سلاطین دورهٔ پیشین نیز بارها از مورخان دربار خود خواسته بودند تا تاریخ وقایع زمانشان را به رشتهٔ تحریر درآورند، در دورهٔ تیموری و بالأخص جانشینانش، عمده‌ترین دلیل تحول در تاریخ‌نگاری، جریان مشروعیت‌بخشی حکومت تیموری بود (Rostami, 2018, p.212). تیموریان به‌طورکلی شاهانی هنردوست و هنرپرور بودند، آنان هنرمندان را تشویق می‌کردند و تحت حمایت آن‌ها، انواع هنرها به‌ویژه فلزکاری و نگارگری به نهایت پیشرفت خود رسید که ادوار بعدی ایران همچون صفویه را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

در راستای ثبت وقایع تاریخی، تیموریان چندین کتب در رابطه با زندگی امیرتیمور، جنگ‌ها و فتوحاتش نوشتند که ازجملهٔ آن‌ها، کتاب ظفرنامه به قلم شرف‌الدین علی یزدی است. ظفرنامه تیموری کتابی است مدیحه‌سرایانه در باب زندگی، لشکرکشی‌ها و فتوحات تیمور گورکانی و یکی از مهم‌ترین نُسخ تاریخی بوده که در سدهٔ نهم هجری قمری توسط شرف‌الدین علی یزدی- از فضلا و نویسندگان عصر تیموری- که مدتی مصاحب شاهرخ تیموری و پسرِ او، ابراهیم سلطان از نوادگان تیمور گورکانی بوده، به رشتهٔ تحریر درآمده است. «چون رسمِ زمان تیمور این بود که در سفر و حَضَر، پیوسته اَعاظم ارباب و غمایم از سادات و علما، فقها و اهل فضل را در یورش و جنگ‌ها همراه خود داشته باشد که وظیفهٔ این افراد، ثبت وقایع و اتفاقات مهم بود ... شاهرخ، پسر تیمور، نیز در ادامهٔ روش پدر، هم، مجموع نُسخ باقی‌مانده از عصر پدر را از نثر و نظم فارسی و ترکی از تمام ممالک طلب کرد و هم علما و بزرگانی همچون شرف‌الدین علی یزدی را ملازم رکاب خود ساخت.» (Ahmadi, 2000, p.21)

سرانجام پسر شاهرخ، ابراهیم سلطان، که اعتقادی راسخ به فضل مولانا شرف‌الدین علی داشته از وی تقاضا نمود تا تاریخ فتوحات تیموری را به نگارش درآورد و مولانا شرف‌الدین به وقت پیری، در مدت چهارسال (Ahmadi, 2000, p.22) با سرمشق‌گرفتن از ظفرنامهٔ شامی[1] (Norouzian, 2007, p.76) کتاب خود را به رشتهٔ تحریر درآورد. در رابطه با این کتاب در جایی آمده است که «شرف‌الدین علی، از فضلا و نویسندگان ایران، مصاحب شاهرخ تیموری و پسرش، ابراهیم میرزا بوده و شهرتش به واسطهٔ کتاب تاریخی ظفرنامه است که بیشتر مطالب آن را از ظفرنامهٔ شامی گرفته است.» (Ahmadi, 2000, p.22). همچنین خواندمیر در کتاب خود «حبیب‌السیر»؛ شرف‌الدین علی یزدی را «اشرف فضلای ایران» و «الطف علمای دوران» می‌نویسد. وی معتقد است در فن تاریخ، به لطافت و نظافت کتاب ظفرنامهٔ شرف‌الدین، نسخه‌ای در اسلوب فارسی مکتوب نیست (Norouzian, 2007, p.77). این کتاب تاریخی به نام‌های ظفرنامه یا فتح‌نامهٔ همایون، تاریخ صاحبقران امیر تیمور، تیمورنامهٔ شرف و یا تاریخ شرف‌الدین (Safa, 1984, p.486) نامگذاری شده است، به‌طور کلی تاریخ عمومی تیموریان است که شامل دو بخش است. یکی، مقدمه که به شجره‌نامهٔ تیمور اختصاص دارد برای تحکیم قدرت تیمور

و خاندانش که در آن از تاریخ قبایل ترک و چهار منطقهٔ حکمرانی پسر چنگیز سخن می‌گوید. قسمت اساسی ظفرنامه که طبق نقشهٔ مؤلّف می‌بایست از سه بخش تشکیل می‌شد، نخست به تیمور، دوم به پسر او، شاهرخ، و بخش سوم به ابراهیم سلطان، پسر شاهرخ تیموری، که مشوّق و حامی شرف‌الدین علی در تدوین ظفرنامه بوده است. البته امروزه اثری‌که به نام ظفرنامه مشهور است و تاریخ تیمور را شامل می‌شود، فقط بخش نخست اثر را تشکیل می‌دهد و دو بخش دیگر آن موجود نیست (Ahmadi, 2000, p.22).

۵. بررسی رزم‌افزارهای فلزی تیموری در نگارگری

حکومت‌ها همواره در طول تاریخ، با توجه به ساختار سلطنتی و موقعیت خود در جغرافیای سیاسی، نیاز به نیروی نظامی مقتدر و آموزش‌دیده برای جنگ و دفاع داشته‌اند و این امر در دورهٔ تیموری نیز از اهمیت بسزایی برخوردار بود. چراکه در این عصر، سپاه از مهم‌ترین رکن حکومت و اقتدار به‌شمار می‌آمد. اهمیت سپاه چنان بوده که یکی از آموزش‌های نظامی در عصر تیموریان که بیشتر جنبهٔ روانی داشت و امیر تیمور بر فراگیری و کاربرد آن تأکید می‌کرد، بی‌باکی، نترسی و تصوّرِ پیروزی مطلق و شکست‌ناپذیری در برابر دشمن بود (Mirjafari, 2006, pp.64-68) که البته پیروزی نهایی در نبرد، نه‌تنها با این آموزش‌ها از جانب فرمانرولیان تیموری بلکه به کمک ابزارآلات مناسب پیکار و رزم صورت می‌گرفت. رزم‌افزارهایی که به نوعی بیانگر رشد، ارتقا و پیشرفت فلزکاری عصر تیموری بوده‌اند، همواره در صحنه‌های نبرد، ازجمله عوامل شکست و قتل‌عام دشمن به دست سپاهیان تیمور به‌شمار می‌آمده‌اند. ادوات رزمی که در اختیار سپاهیان تیموری قرار می‌گرفت، شامل هر سوار دو یا سه کمان، سه‌تیردانِ پُر از تیر، تبر، شمشیر نوک‌تیز، کلاه‌خود، سپر، نیزه‌های چنگک‌دار برای به زیرکشیدن سواران دشمن، زره، بازوبند، ساق‌بند و زانوبند و روی اسب‌ها زره پوشانیده می‌شد (Rezanezhad et al, 2018, p.45). البته به دلیل فقدان و کمبود این ابزارآلات فلزی برجای‌مانده از دورهٔ تیموری (Rezanezhad et al, 2018, p.42) بررسی و تحلیل نگاره‌هایی با موضوع رزم که بر اساس کتاب ظفرنامهٔ یزدی تصویرسازی شده‌اند، کمک قابل توجهی در شناخت رزم‌افزار فلزی تیموریان می‌نماید. بنابراین، چهار نگاره با موضوع رزم از مجموع چهارده نگاره نسخه‌ای به سال۸۳۹ ه.ق متعلق به مکتب شیراز و نیز سه نگاره از نسخهٔ ۸۷۲ ه.ق متعلق به مکتب هرات، به‌صورت تصادفی انتخاب، تحلیل و بررسی می‌شوند.

۵-۱. نگاره‌های رزم تیموری، مکتب شیراز ۸۳۹ ه.ق

نگاره‌های این نسخه از ظفرنامهٔ تیموری برای ابراهیم سلطان، نوهٔ تیمور تصویرپردازی شده است و متعلق به سال ۸۳۹ه.ق، مکتب شیراز دورهٔ ابراهیم سلطان است. به‌طورکلی شامل چهارده نگاره و به خط یعقوب‌بن حسن معروف به سراج‌الحسنی است و امروزه در بنیاد کورکیان نیویورک نگهداری می‌شود. دارای ویژگی‌هایی ازجمله پیکره‌های درشت و سرزنده در یک منظرهٔ ساده، رابطهٔ متقابل تصویر و متن است. همچنین، فضا به چند بخش متناسب تقسیم می‌شود (Pakbaz, 2005, p. 73) که همهٔ آن‌ها بیانگر ویژگی‌های نگارگری مکتب شیراز ابراهیم سلطان تیموری است که این ویژگی‌ها در نگاره‌های رزم این نسخه نیز به‌وضوح قابل رؤیت است.

تصاویر ۱ و۲، تیمور و سپاهیانش را در پوشش نظامی همراه رزم‌افزارهای فلزی در صحنه‌های پیش از نبرد و نیز فتح بغداد نشان می‌دهد.

شکل ۱: تیمور پیش از نبرد.

شکل ۲: فتح بغداد توسط تیمور.

شکل ۱ و۲. به خط یعقوب‌بن‌حسن معروف به سراج‌الحسنی، شیراز، بنیاد کورکیان‌نیویورک، ۸۳۹ ه.ق.
(Metropolitan museum)

Fig.1: Timur before battle. Figure 2: Conquest of Baghdad by Timur. Calligrapher: Seraj al- hasani. Shiraz. Corkian Foundation, New York. 839. (Metropolitan museum)

مطابق تصاویر ۱و ۲، تیمور، کلاه‌خودی به شکل ناقوس از آلیاژ فولادی به‌رنگ طلایی که روی آن با زرکوبی آرایش‌یافته، روی عمامه، بر سر دارد، همچنین بدنهٔ این کلاه‌خودها را با کتیبه‌ها و طرح‌های اسلیمی تزئین می‌کردند که این طرح‌ها را از تارهای سیمین ظریفی می‌ساختند (Kuhnel, 2008, p.125). این کلاه‌خود به دو بخش بوده است: یکی بخشی که مانند طاس گِردی بر روی‌سر نهاده شده و دیگری، بخش پایینی‌کلاه‌خود که از زره فولادی بافته شده تا گوش‌ها و گردن را از گزند تیغ دشمن مصون نگه دارد. سپاهیان تیمور نیز کلاه‌خودی همانند کلاه تیمور بر سر دارند با این تفاوت که برای سربازان، عمدتاً از جنس فولاد[۲] و بدون زرکوبی است. جامهٔ رزمی که تیمور بر تن دارد، همانا زرهی بافته‌شده و فولادین یا آهنین[۳] است. بلندی زره تا زیر زانو می‌رسد و این زره آهنین، آستین‌های کوتاهی دارد (Zarei et al, 2017, p. 73) معمولاً برای اینکه زره بر تن آسیبی نرساند، در زیر آن، تن‌پوشی پنبه‌دوزی‌شدهٔ سبک می‌پوشیدند (Zoka, 1971, p.191). مورد دیگر، پوشش اسب‌ها و در واقع زره آن‌هاست. برای محافظت از این حیوان، در جنگ‌ها، زره‌های مخصوصی برایشان می‌ساختندکه از جنس فولاد و شامل سه بخش بود؛ برای محافظت پیشانی حیوان، گردن و در نهایت سَرین اسب و دلیل اهمیت این مسئله، اسب‌سواری‌درحین نبرد بوده است. در واقع، عامل اصلی فتوحات تیموریان مهارتشان در اسب‌سواری بود که همین مورد، بر جنبهٔ حفاظتی این حیوان افزوده است.

در اینجا علاوه‌بر زره و کلاه‌خود، از ساق‌بند و مچ‌بندها به‌عنوان یکی دیگر از رزم‌افزار فلزی استفاده شده است. از فولاد که مچ دست به بالا و فقط یک‌سوی دست‌ها را می‌پوشانید و در قسمت پشت، دارای بندهای چرمین است. یکی از مهم‌ترین و در عین حال رایج‌ترین ابزار رزم دیگر برای فواصل نزدیک، شمشیر بوده که در میان رزم‌افزارهای فلزی تصاویر ۱و ۲، ارزش و اعتبار ویژه‌ای دارد. در این نگاره، شمشیرهایی راست با تیغهٔ پهن از جنس فولادهای آب‌دیده که

در داخل نیام‌هایی از فلز یا چوب با روکشی از چرم ساغری سیاه، همانند تصاویر فوق که دارای بست‌های زرکوب بود، جای گرفته و آن را به کمربند چرمی تیمور آویخته‌اند. رزم‌افزار فلزی دیگری که فقط در صحنهٔ شکل ۱، مورد استفادهٔ سرباز تیموری بوده نیزه‌ای است بلند و نوک‌تیز از جنس آهن (Rezanezhad et al, 2018, p.46) که پرچمی بر بالای آن تعبیه شده است که برای حمله به دشمن یا دفاع از خود استفاده می‌کردند. به‌جز تیمور، سپاهیان نیز در شکل ۲، شمشیر فولادی در دست دارند و مورد دیگر که در شکل ۲ به‌وضوح، گویای مهارت و چیره‌دستی سربازان تیموری می‌باشد، استفادهٔ آن‌ها از تیرهای فلزی و کمان است. برای هر سرباز سه تیردان پُر از تیر (Rezanezhad et al, 2018, p.45) که معمولاً برای نبرد از راه دور به‌کار می‌رفت. تیرها دارای پیکان‌های فولادی تیز و گاه از آهن‌های زرکوب ساخته می‌شد و همواره نوک تیرهای فلزی را تیز می‌کردند و به‌همراه کمان‌هایی از جنس چوب درختان و یا شاخ حیوانات در داخل تیردان‌های چرمی نهاده آن را از پهلو و یا کمربند، همانند تیمور در تصاویر۱و ۲، آویزان می‌کردند.

شکل ۳ که محاصرهٔ بغداد و قلعهٔ آن، توسط ارتش تیموری را نشان می‌دهد و ساکنان شهر که برای فرار از حمله سپاهیان تیمور، سعی می‌کنند با شناکردن در رود، جان خود را نجات دهند، همانند دو نمونهٔ پیش، از آثار مکتب شیراز ابراهیم سلطان و به سال ۸۳۹ ه.ق است.

شکل ۳: محاصرهٔ بغداد توسط سپاهیان تیمور، به خط یعقوب‌بن‌حسن معروف به سراج‌الحسنی، شیراز، بنیاد کورکیان نیویورک، ۸۳۹ ه.ق.
(Metropolitan museum)

Fig. 3: Siege of Baghdad, Calligrapher: Seraj al- hasani. Shiraz. Corkian Foundation, New York. 839. (Metropolitan museum)

در اینجا نیز سپاهیان تیمور که درون قلعهٔ بغداد، در بخش فوقانی تصویر قرار دارند با کلاه‌خودهایی که سراسر گوش‌ها و ناحیهٔ پشت گردن را پوشش داده و شبیه به پوشش مقنعه‌ای (Zarei et al, 2017, pp. 75- 76) است، دیده می‌شوند. این افراد، علاوه‌بر تیر در دست، زرهی بر تن و ساق‌بندهایی بر دست دارند که این دو مورد، تنها رزم‌افزارهای فلزی موجود در شکل ۳ است.

می‌توان گفت که شکل ۳ در تقابل با تصاویر۱ و۲ از این نسخه به سال ۸۳۹ ه.ق قرار دارد. زیرا تنها سلاح تهاجمی ارتش تیموری در شکل ۳، تیر و کمان است که حملهٔ آن‌ها را به ساکنین هراسان شهر تصویرکرده است. لیکن در تصاویر۱ و۲، تیمور در جلال و جبروت شاهانه در زیر سایبان سلطنتی‌اش قرار دارد که علاوه‌بر وجود رزم‌افزارهای دیگر همچون شمشیر، عاری از ترس و هراس و تهاجمی است که در شکل ۳ مشاهده می‌شود. نکتهٔ دیگر در ارتباط با این سه شکل، جنس و تزئین ادوات فلزی رزم می‌باشد که رزم‌افزارهای مورد استفاده برای تیمور، برخلاف سپاهیانش، از آلیاژ فولادی به‌رنگ طلایی که روی آن با زرکوبی آرایش یافته‌اند، می‌باشد که نشان‌دهندهٔ مقام و مرتبهٔ شخصی است که در تصاویر۱ و۲ قرار دارد و نبردی را رهبری می‌کند که این مورد در شکل ۳ مشاهده نمی‌شود.

شکل ۴، نگارهٔ دیگری متعلق به مکتب شیراز است که موضوع آن مشابه تصاویر فوق بوده و محاصرهٔ بغداد را نشان می‌دهد که همچون شکل ۳، سپاهیان پوشیده در زره با کلاه‌خودهایی شبیه پوشش مقنعه‌ای تصویر شده‌اند.

در شکل ۴، مهم‌ترین رزم‌افزار مورد توجه، شمشیر سپاهیان تیمور است که در هر دو بخش شکل ۴، به‌وضوح قابل رؤیت است. در سمت راست تصویر، تیمور پوشیده در زره و کلاه‌خود، سوار بر اسبی که زره بر تن دارد، با تیر و کمانی آویخته از کمرش در شکوه و جلال به‌سمت شهر در حرکت است. سپاهیانِ شمشیربه‌دست در بخش پایین آن قرار دارند و در اینجا نیز مانند تصویر۱، سربازی با نیزه‌ای بلند دیده می‌شود. در سمت چپ، فقط یک سرباز تیموری با شمشیر و تیر و کمانی آویخته از کمر در حال بالارفتن از دیوار قلعه نشان داده شده است. درواقع، وجود شمشیر در هر دو بخش شکل ۴، برخلاف شکل ۳، قدرت و برتری سپاه تیمور را نشان می‌دهد. اگرچه موضوع تصاویر۳ و۴ مشترک است، جنگ، پیکار و فتح شهر در شکل ۴، به دلیل استفاده از رزم‌افزارهای فلزی بیشتر، به‌مراتب، واضح‌تر از نگارهٔ ۳ است.

شکل ۴: محاصرهٔ شهر بغداد، مجموعهٔ خصوصی انگلیس، مکتب شیراز، ۸۳۹ ه.ق.
Fig. 4: Siege of Baghdad, Private collection, England, Shiraz, 839. (Azhand, 2010, pp. 452)

۵-۲. نگاره‌های رزم تیموری، مکتب هرات ۸۷۲ ه.ق

تصاویر نسخهٔ مکتب هرات به سال ۸۷۲ ه.ق نیز، برگرفته از کتاب تاریخی ظفرنامهٔ یزدی است و دارای شش نگاره است که اکنون در مجموعهٔ رابرت گارت بالتیمور نگهداری می‌شود. این نسخه از ظفرنامه ظاهراً برای سلطان حسین میرزا تهیه شده است که سرآغاز آن، لوح استادانه و پُرکاری دارد که نام وی بر آن است (Azhand, 2010, p.238). در مورد هنرمند اثر، نظرات متفاوتی بیان شده چراکه با توجه به اینکه، تصاویر، بزرگ‌تر از سطح متنِ نوشتهٔ کتاب هستند و چنین می‌نماید که احتمالاً بعد از سال ۸۷۲ه.ق تصویر شده‌اند و ویژگی‌های بصریِ آثار بیست‌سال بعد یا متعاقب‌تر را دارند (Azhand, 2010, p.238) و نیز با توجه به این نکته که نگاره‌های این نسخه از ظفرنامه رقم ندارد، لیکن می‌توان گفت که از کارهای استادان برجسته و چیره‌دست کارگاه نقاشی سلطان حسین بایقرا نظیر بهزاد است (Azhand, 2010, p.263). همچنین ویژگی‌های نقاشی بهزاد یعنی حرکت و رنگ‌بندی گوناگون و متنوع او نیزکاملاً پیداست. البته یگانه مدرکی که تصاویر این نسخه را کار بهزاد می‌دانند، گفتار امپراتور گورکانی هند،

جهانگیرشاه، است: «جهانگیر، امپراتور گورکانی هند و فرزند اکبر شاه، طی یادداشتی که به این نسخه افزوده، اعلام کرده که این آثار از کارهای نخستین بهزاد می‌باشد.» (Azhand, 2010, p.263).

در نگاره‌ای از این نسخه، صحنهٔ نبرد جیحون، سپاهیان تیموری با توجه به شکل ۵، زرهی بر تن نداشته؛ لیکن انواع گوناگونی از کلاه‌خود بر سر دارند. یکی، از نوع کلاه‌خودهای کاسه‌ای که به‌اندازهٔ کاسهٔ سر از آلیاژ فولادی و آهنین است و فقط ناحیهٔ سر را محافظت می‌کند و دیگری، کلاه‌خودهایی که با زره بافته به‌صورت حلقه‌های ریز فولادی که سراسر گوش‌ها و ناحیهٔ پشت گردن را محافظت می‌نماید (Zarei et al, 2017, pp. 75- 76) و روی برخی از کلاه‌خودها، پرچم کوچکی نیز تعبیه شده است تا سپاهیان خودی و غیرخودی از یکدیگر قابل تشخیص باشند. در شکل ۵ نیز شمشیرهایی فولادی و به شکل راست با تیغه‌های پهن و تیرهای تیز فلزی و کمان، جزء اساسی صحنهٔ نبرد به‌شمار می‌آیند. البته در کنار شمشیر و تیر، یکی دیگر از رزم‌افزارهای فلزی که در این نگاره قابل دیدن است، نیزه‌هایی با دسته‌های بلند و نوک‌تیز از جنس فلز آهن بوده و برای حمله به سواره‌نظام و همچنین دفاع در برابر حملات مورد استفاده قرار می‌گرفت.

به‌همراه برخی از سربازان تیمور، سپرهایی نیز دیده می‌شود که گاهی آن را از فولاد ساخته و به شکل گِرد با گُل‌میخ‌هایی روی آن، دارای دستگیره‌های چرمی بوده که به هنگام نبرد، سپر را به کمک آن در بازو انداخته یا در دست می‌گرفتند و گاهی نیز، سوارکار، آن را در پشت خود قرار می‌داد. ساخت سپر از فولاد، قدرت حفاظتی آن را در برابر حملات دشمن با نیزه یا شمشیر افزایش می‌داد (Zoka, 1971, p.200).

نکتهٔ مورد توجه در این نگاره (شکل ۵) وجود ساز «کُرنا» یا شیپور بزرگ جنگی فلزی در بخش بالای سمت چپ نگاره است که به‌عنوان موسیقی رزمی برای رهسپارشدن به میدان نبرد و نیز اعلام رزم نواخته می‌شده است.

جنگ اورگنج (حمله به قلعهٔ اورگنج)، این نگاره (شکل ۶) نیز همانند شکل ۵ متعلق به نسخه ۸۷۲ ه.ق و محفوظ در مجموعه رابرت گارت بالتیمور و از کارهای کارگاه کمال‌الدین بهزاد برای سلطان حسین بایقرا می‌باشد. در این صحنه که حملهٔ سپاهیان تیمور به قلعهٔ اورگنج را نشان می‌دهد، رزم‌افزارهای فلزی مورد استفادهٔ سربازان تیمور و همچنین محافظان قلعه، توجه را به خود جلب می‌نماید.

یکی از مواردی که در شکل شش به‌چشم می‌آید، سپرهای فولادی با توان حفاظتی بالا در برابر ضربات شمشیر و نیزه‌هاست که با تزئیناتی چون کنده‌کاری نقوشی همچون برگ‌هایی با طومارهای مارپیچ و نیز نقوش هندسی (Rezanezhad et al, 2018, p.46) آراسته شده‌اند که در پشت آن، پارچه‌های قهوه‌ای‌رنگ به‌صورت ضربدری برای به‌دست‌گرفتن سپر قرار داشته (Rezanezhad et al, 2018, p.50) و گاهی نیز در هنگام سوارکاری در پشت خود قرار می‌دهند. همانند نگاره‌های پیشین، در این صحنه نیز برخی از سپاهیان تیموری، زره بر تن نداشته و برخی نیز با زره فولادی همراه با شمشیرهای ساخته شده از فولاد به شکل راسته با تیغه‌های پهن و نیز تیرهای فولادی و کمان تصویر شده‌اند، همچنین از کلاه‌خودهای فولادی به‌شکل کاسه‌ای استفاده شده است که در بالای کلاه‌خود، قُبه‌ای نیزه‌مانند با میله‌ای نه‌چندان بلند می‌ساختند که بر آن، پرچمی کوچک از پارچهٔ رنگین آویخته می‌شد تا سپاهیان هردو سو شناخته گردند و به دست خودی کشته نشوند (Zoka, 1971, p.191). در اینجا نیز برای محافظت از اسب سپاهیان، آن‌ها را با زره‌هایی پوشانیده‌اند.

شکل ۷: حملهٔ تیمور به قلعه، یکی دیگر از آثار متعلق به مکتب هرات است. در این تصویر نیز سپاهیان تیمور زرهی بر تن نداشته، ولی همان‌گونه که در اینجا مشاهده می‌شود، اسب‌های آن‌ها گاهی پوشیده در زره و گاهی بدون زره نشان داده می‌شود. از سوی دیگر، وجود کلاه‌خودهایی همانند نمونه‌های پیش که روی برخی از آن‌ها، پرچم‌هایی برای شناسایی سپاه خودی از دشمن، تعبیه شده، در این نگاره نیز جزو اساسی رزم‌افزارهای سپاه تیموری به‌شمار می‌آید، همچنین سپرهایی که در دست سپاهیان تیموری برای محافظت آن‌ها استفاده شده است. تیر و کمان همانند سایر تصاویر، در کنار سایر رزم‌افزارهای دیده می‌شود. در شکل ۷، تیمور سوار بر اسب در بخش پایین نگاره قرار دارد که برخلاف تصاویر رزم مکتب شیراز، هنرمند در اینجا سعی کرده تا به مقولهٔ رزم و نبرد بیش از شخص تیمور توجه نماید.

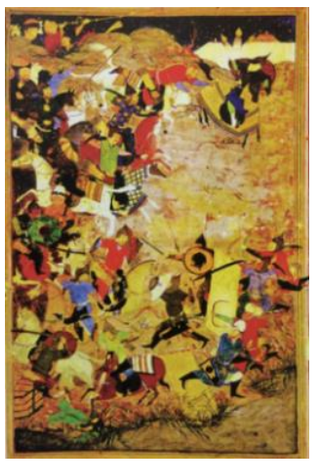

شکل ۵: نبرد جیحون، منسوب به بهزاد، هرات، ۸۷۲ه.ق، مجموعهٔ گارت بالتیمور

Fig. 5: The Battle of Jehoon. By Behzad. Herat school. 872. Collection of Gart Baltimore. (Azhand, 2010, pp.292-293)

شکل ۶: نبرد اورگنج. منسوب به بهزاد، هرات، ۸۷۲ ه.ق، مجموعه گارت بالتیمور

Fig. 6: Attack of Urganj. By Behzad. Herat school. 872. Collection of Gart Baltimore. (Azhand, 2010, pp.292-293)

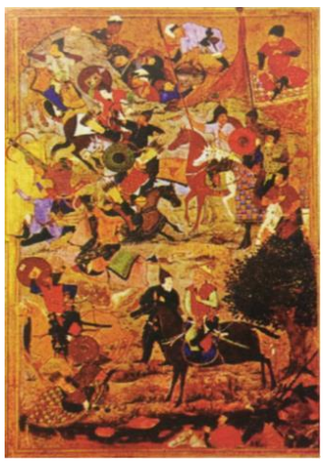

شکل ۷: حملهٔ تیمور به قلعه، هرات، ۸۷۲ ه.ق، مجموعهٔ گارت بالتیمور

Fig. 7: Timur attacks the castle, Herat school. 872. Collection of Gart Baltimore. (Azhand, 2010, pp.292)

۵-۳. تبارشناسی رزم‌افزارهای فلزی در صحنه‌های رزم تیموری

تبارشناسی و یا نَسَب‌شناسی فراتر از یک روش، نوعی رهیافت نظری نسبت به پدیدهٔ مورد مطالعه است. از نظر فوکو، با تاریخی‌دیدنِ پدیده، گفتمان‌ها و صورت‌های تاریخیِ متفاوت آن شناسایی می‌شود که وجه طبیعی و مسلم آن را زیر سؤال می‌بَرد. شناختی که بدین ترتیب به‌دست می‌آید، ابزار مناسبی برای نقد شرایط حال به دست می‌دهد و می‌تواند نشان دهدکه پدیدهٔ مورد نظر، صورت‌ها و اشکال دیگری نیز داشته است که به واسطهٔ دخالت اموری ازجمله عوامل قدرت، تأکید بیشتر بر شخص تیمور در صحنه‌های نبرد و نیز تأثیر نیروهای اجتماعی از بین رفته و یا تغییر کرده و به صورت‌بندی فعلی آن حاصل شده است. بنابراین، تبارشناس از زمان حال به گذشته برمی‌گردد، به‌منظور کشف صورت‌بندی‌های گفتمانی و دوباره راه حال را در پیش می‌گیرد (Kachuiyan et al, 2009, pp.26-27). به بیان دیگر، تبارشناسی به‌دنبال معانی عمیق و نهفته در ورای پدیده‌ها نیست بلکه سخن از گسست‌ها، شکاف‌ها، خلأ و تفاوت‌هاست، نه از تکامل و ترقی متوالی اجتناب‌ناپذیر (Kachuiyan et al, 2009,).

بنابراین، با توجه به تعریف تبارشناسی، در این بخش از پژوهش به شناخت تاریخی رزم‌افزارهایی می‌پردازیم که در هفت نمونهٔ مطالعاتی برگرفته از نسخهٔ ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی به تصویر درآمده‌اند که نتایج حاصل از آن در جدول و نمودارها به صورت تطبیقی ارائه شده است. در واقع، با توجه به نگاره‌های بررسی‌شده، می‌توان دریافت که بسیاری از رزم‌افزارهای تیموری، در تصاویر رزم مکتب شیراز ۸۳۹ ه.ق و هرات ۸۷۲ ه.ق موجود است. از سوی دیگر، در تصاویر رزم مکتب شیراز که متعلق به یکی از نوادگان تیمور- ابراهیم سلطان- است، تمرکز اصلی هنرمند بر شخص تیمور و نشان‌دادن جایگاه و مقام یک شاه پیروز است و سپاهیان تیمور فقط در اطراف و حاشیهٔ تصاویر به‌شکلی جزئی دیده می‌شوند. لذا می‌توان گفت که تنوع استفاده از رزم‌افزارهای فلزی در آثار مکتب شیراز به مراتب، کمتر از مکتب هرات است. در ادامهٔ پژوهش، به تحلیل تبارشناسی رزم‌افزارهایی که در نگاره‌های برگرفته از کتاب ظفرنامهٔ یزدی، جزء اساسی و مهم در صحنه‌های نبرد و پیکار هستند، می‌پردازیم:

تیر: این واژه که در زبان پهلوی به آن tir و Pekan (Faravashi, 2002 p.156) گویند، چوب راست و باریک که بر سر آن، آهن نوک‌تیز بنشانند و با کمان به هدف بیندازند (Amid, 2010, p.381). همچون فلاخن از باستانی‌ترین رزم‌افزارهای ایرانیان بوده است (شکل ۸)، تاآنجاکه مردم این سرزمین از زمان‌های کهن در تیراندازی و کمان‌گیری پُرآوازه بودند. در گذشته، چوب تیرها را از نی‌های باریک خیزران و چوب خدنگ و سرتیرها یا پیکان‌های‌آن از مفرغ و آهن به شکل‌های گوناگون که با قالب‌گیری و یا ریخته‌گری، سر تیرها را به شکل پرندگان، مرغابی و نیشدار می‌ساختند و سپس با ساییدن، آن‌ها را تیز و برنده می‌کردند. در انتهای تیر که زه بر آن قرار می‌گرفت، شهپرهای پرندگانی همچون کرکس، شاهین و باز می‌چسباندند تا تیر، هرچه سریع‌تر و راست‌تر به هدف اصابت نماید (Zoka, 1971, pp.62-63).

زانوبند: در گذشته، سربازان برای نگهداری ران‌ها و پاهای خود از آسیب، گاهی شلوارهای چرمی یا رانپا و یا ساق‌پیچ (شکل ۹)، می‌پوشیدند که نمونه‌های آن در سنگ‌نگاره‌های دورهٔ اشکانی و ساسانی بسیار دیده می‌شود (Zoka, 1971, p.46).

شکل ۸: طرحی از یک کماندار هخامنشی
Fig. 8: A design of an Achaemenid archer. (Yarshater et al, 2004, pp.46)

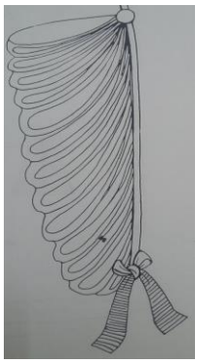

شکل ۹: ساق‌پیچ
Fig. 9: Legging. (Yarshater et al, 2004, pp. 76)

زره: Zareh, Zreh(Faravashi, 2002,p.281)، جامهٔ جنگ با آستین کوتاه که از حلقه‌های ریز فولادی‌بافته می‌شده و در قدیم، هنگام جنگ روی لباس‌های دیگر به تن می‌کردند. در گذشته آن را از چرم در رنگ‌های مختلف دوخته و با برگ‌هایی از جنس مفرغ یا پولاد به شکل پولک ماهی، روی آن را می‌پوشاندند. دلیل عمدهٔ رنگی‌بودن زره‌ها در گذشته بیشتر برای شناسایی سربازان خودی از بیگانه بوده است. در زمان هخامنشیان، گاهی سربازان به جای زره و جوشن، نیم‌تنه‌هایی که با لایهٔ ستبری از پنبه دوخته‌شده، همانند نیم‌تنه‌های مصریان بر تن می‌کردند که این رسم را ایرانیان، پس از فتح مصر از آنان فرا گرفته بودند (Zoka, 1971, p.45).

زره اسب: که به آن بَرگُستوان، برکستوان، برگستان گویند، روپوش و زره مخصوصی که در قدیم، هنگام جنگ بر تن می‌کردند یا روی اسب می‌انداختند (Amid, 2010, p.224). در واقع، سواران نه‌تنها خود، غرق در آهن و پولاد بودند بلکه اسب آنان نیز با بَرگُستوان یا زرهی چرمی یا پولک‌های فلزی پوشیده شده بود تا از گزند تیرها و نیزه دشمن ایمن بماند (Zoka, 1971, p.119).

ساق‌بند: برای اینکه با فرودآمدن شمشیر دشمن، بازو و ساق دست آسیب نبیند، بازوبند و یا ساق‌بندهایی از فولاد می‌پوشیدند که نه‌تنها در دورهٔ تیموری بلکه پیش و پس از آن نیز رواج داشته‌است.

سپر: این‌کلمه که در زبان پهلوی، به آن اِسپَر= Spar (Faravashi, 2002,p.297)، گفته می‌شده است، آلتی که پیشینیان در جنگ‌ها با خود برمی‌داشتند و هنگام زدوخورد، روی سر یا جلو سینه می‌گرفتند تا از شمشیر و نیزهٔ دشمن آسیب نبینند و آن را از پوست گاومیش یا کرگدن یا از فلز

می‌ساختند. در واقع، از دورهٔ باستان، سه نمونه سپر بر جای مانده است: یکی، سپرهایی از نی و بزرگ که پشت آن را با پوست می‌پوشاندند و بیشتر مورد استفادهٔ پیاده‌نظام بود، این سپرها نه‌تنها در میدان نبرد بلکه در پاسداری کاخ‌های شاهی نیز به‌کار برده می‌شد که نمونه‌هایی از آن، در سنگ‌نگاره‌های برخی از تالارهای تخت‌جمشید در دست پاسداران قابل مشاهده است (Zoka, 1971, p.48). نوع دوم، سپرهای فلزی یا چرمین به‌شکل تقریباً بیضی بوده است که بلندی آن‌ها به‌اندازه‌ای بود که بتواند بالاتنهٔ سپرداران را در پشت خود به‌خوبی پناه دهد. در میان و روی آن‌ها، آرایشی به شکل دایره یا چهارگوی گِرد کوچک تعبیه شده که احتمالاً در سپرهایی که از پوست گاو یا کرگدن ساخته می‌شد، این بخش از فلز بوده و برای مقاومت سپر در برابر حملات دشمن، روی آن نصب می‌شده است. همچنین روی این چهارگوی، قُبه و یا گل‌میخ‌های فلزی از زرین، سیمین و مفرغ قرار می‌گرفته است که علاوه‌بر بالابردن استحکام سپر، بر زیبایی آن نیز می‌افزوده است. این سپرهای چرمی، دارای کناره‌هایی پهن بوده که در دو سوی سپر نزدیک به لبه، دو بریدگی کوچک گِرد پدید می‌آوردند تا سربازی که خود را در پشت آن پناه داده است، بتواند از آن روزنه، حرکت دشمن را تحت کنترل داشته باشد تا در مواقع لزوم از پشت سپر خارج شود و حمله نماید (Zoka, 1971, pp.49-55). این مورد از ابتکارات ایرانیان دورهٔ هخامنشی بوده است و در هیچ دورهٔ دیگری، نه پیش و نه پس از آن زمان، چنین ابتکار سودمندی در سپرها دیده نشده است (Zoka, 1971, pp.49-55). و نوع سوم، سپرهایی از شاخه‌های بید به شکل سبد، بافته می‌شد که پشت آن‌ها را با پوست می‌پوشانیدند و سربازان ایرانی که دارای رزم‌افزارهای کامل نبودند، آن را در دست می‌گرفتند (Zoka, 1971, pp.49-55).

شمشیر: در زبان باستان به آن شَمشِر= Samser (Faravashi, 2002,p.336) گفته می‌شد، حربهٔ آهنین که تیغه‌اش، دراز و کج و دُم آن، تیز و بُرنده است. در روزگار باستان که شمشیر تیغه‌دار بلند به‌کار نمی‌رفت، ابزاری همانند خنجر راست به نام «کتاره» استفاده می‌شد، بلندی آن از کلاهک دسته تا ته نیام از ۴۰– ۵۰ سانتی‌متر بیشتر نبود که بر دو نوع بوده است: کتاره‌های مادی که شمشیرهای کوتاه و نیام‌داری بود و با بند از کمر آویخته می‌شد، دارای دسته یا قبضهٔ آجدار با کلاهک تیغه‌ای شیاردار و نوک‌تیز (Zoka, 1971, p.69). و نوع دوم، کتارهٔ پارسی که با نیام خود در پیش سینه و روی شکم، همانند خنجر در لای کمربند چرمی قرار می‌گرفت (Zoka, 1971, p.75). البته پس از دورهٔ هخامنشی، شمشیرها از حالت کوتاه خارج شده و بیشتر به شکل شمشیرهای بلند و سنگین استفاده می‌گردید. در واقع، در دورهٔ تیموری نیز به‌صورت راست با تیغه‌های پهن استفاده می‌شد که پس از آن در ادوار بعدی، بیشتر شمشیرهایی به شکل کج و هلالی کاربرد داشته است که روی دستهٔ آن در داخل ترنج، نام سازنده و یا اشعار و دعاهایی زرکوبی می‌کردند (Zoka, 1971, pp.195-196).

جدول ۱: مقایسهٔ تطبیقی رزم‌افزارهای فلزی مورد استفاده در نگاره‌های مکتب شیراز ۸۳۹ ه.ق و هرات ۸۷۲ ه.ق.

Table 1: Comparative comparison of metal tools used in the drawings of Shiraz school 839 AH and Herat 872 AH, (Authors).

نگاره							
تاریخ	شیراز،۸۳۹ه.ق	شیراز، ۸۳۹ه.ق	شیرلز، ۸۳۹ه.ق	شیرلز، ۸۳۹ه.ق	هرات، ۸۷۲ه.ق	هرات، ۸۷۲ه.ق	هرات،۸۷۲ه.ق
تیر							
زره					—		—
زره‌اسب			—				
زانوبند	—	—	—	—			—
ساق بند							—
شمشیر راسته			—				
سپر	—	—	—	—			
کلاه‌خود گرد			—				
کلاه‌خود مقنعه‌ای							—
نیزه		—	—			—	
کرنا	—	—	—	—		—	—

کُرنا: کَرنای، خرنای؛ شـیپور بزرگ و نای جنگی که برای اعلام جنگ استفاده می‌گردید. در گذشته، لشکریان سرودهای رزمی خوانده با گام‌های مساوی و شمرده راه می‌رفتند و پیداست که موسیقی رزمی داشته‌اند. گواه این ادعا در نوشتهٔ زیر آمده است که: «کوروش، فرمان داد تا همه، بار و بُنهٔ خود را گِرد آورند و سپس همین‌که شیپور آماده‌باش را شنیدند در جاهایی که معین شده بود، مستقر شوند.» (Zoka, 1971, p.77) و نیز در جای دیگر آمده است: «کوروش برای حرکت سپاهیان خود، دستور داد صدای شیپور که نشانهٔ آغاز راه‌پیمایی خواهد بود... و همین‌که صدای شیپور بلند شد، باید همهٔ سربازان آماده باشند و به راه بیفتند.» (Zoka, 1971, p.78). همچنین در کاوش‌های انجام‌شده در تخت جمشید، بالای آرامگاه اردشیر سوم هخامنشی، یک شیپور بلند یا کُرنا به‌دست آمده است که بلندی آن ۱/۲۰متر و قطر دهانهٔ آن ۵۰سانتی‌متر و قطر لوله‌اش در جایی که باریک‌تر می‌شود، پنج سانتی‌متر است (Zoka, 1971, p.78). البته در دورهٔ اشکانیان، به‌جای شیپور از نَقاره استفاده می‌کردند که تعداد زیادی از آن را در میدان نبرد و به‌طور هم‌زمان به‌صدا درمی‌آوردند که صدایی همچون آواز دلخراش جانوران درنده و غرش رعد پدید می‌آورد (Zoka, 1971, pp.121-124). و نیز نواختن موسیقی رزمی در دورهٔ اسلامی ایران همانند پیش از اسلام معمول بود که علاوه‌بر شیپور و کُرنا، از طبل، سنج، دهل و ... استفاده می‌کردند (Zoka, 1971, pp.128-129).

کلاه‌خود: که در زبان پهلوی به آن Trag (Faravashi, 2002,p.411)، خُود، خوی و یا خوده گفته می‌شد؛ کلاه آهنی و یا مفرغی که با چکش ساخته شده، در جنگ بر سر می‌گذاشتند. در یکی از نوشته‌های گزنفون تاریخ‌نویس آمده است که: «سپاهیان پارسی... با جنگ‌افزارهای زیبا و گوناگون، زره و کلاه‌خودی با پَرِ سفید مجهز شدند... گویی‌که همهٔ سپاه در آهن و پولاد و جامه‌های ارغوانی‌رنگ می‌درخشیدند.» (Zoka, 1971, p.46). این کلاه‌خودها را که مانند زره‌بافته شده بودند، همهٔ سواران و پیادگان در نبرد همواره بر سر می‌گذاشتند.

نیزه: این کلمه در زبان پهلوی، نیزَک، nezak, nacak (Faravashi, 2002, p.535) و در زبان پارسی Arashti تلفظ می‌گردید و نی یا چوب دراز و سخت و گاهی فلزی که بر سر آن، آهن نوک‌تیز نصب می‌کردند، بر دو گونه بوده است: نیزه‌های بلند که سوارکاران و سربازانی که سپر نداشتند، به‌کار می‌بردند و نیزه‌های کوتاه، مورد استفادهٔ پیادگانی که می‌بایست از نزدیک با دشمن روبه‌رو شوند. همچنین سر این نیزه‌ها نیز به دو صورت پهن به شکل برگ‌های پهن و باریک به شکل برگ درخت بید بود (Zoka, 1971, pp.63- 64).

پیش‌تر بیان شد که اَدَوات رزمی مورد استفادهٔ سپاهیان تیموری شامل هر سوار دو یا سه کمان، سه تیردان پُر از تیر، تبر، شمشیر نوک‌تیز، کلاه‌خود، سپر، نیزه‌های چنگک‌دار برای به زیرکشیدن سواران دشمن، زره، بازوبند، ساق‌بند و زانوبند و روی اسب‌ها زره پوشانیده می‌شد (Rezanezhad et al, 2018, p.45). بنابراین، با توجه به جدول فوق و نمودار ۱.۲ می‌توان به میزان کاربرد این اَدَوات در دو مکتب شیراز و هرات تیموری پی بُرد. در این راستا تیر و کمان، شمشیر، زره اسب، ساق‌بند، کلاه‌خود مقنعه‌ای بیشترین کاربرد را در بین نگاره‌های دو مکتب داشته و سپر، نیزه و کُرنا نیز کمترین کاربرد را داشته‌اند.

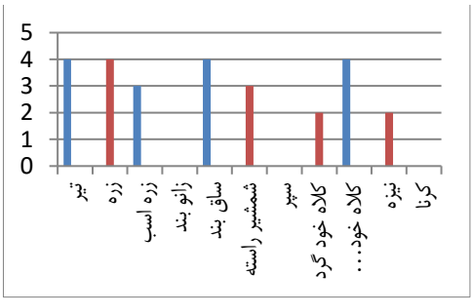

نمودار۱: کاربرد رزم‌افزارهای فلزی در نگاره‌های مکتب شیراز
Diagram1: Application of metal tools in the drawings of Shiraz Teymouri schools

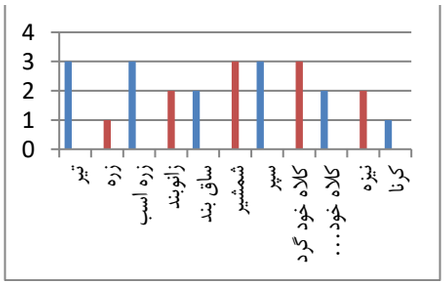

نمودار۲: کاربرد رزم‌افزارهای فلزی در نگاره‌های مکتب هرات
Diagram 2: Application of metal tools in the drawings of Herat Teymouri schools

نتیجه‌گیری

در دورهٔ تیموری شاهد تکامل و پیشرفت در زمینهٔ فلزکاری و ساخت رزم‌افزارهایی از آلیاژ فولاد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آلیاژها، توسط صنعتگران چیره‌دست، برای ساخت اَدَوات رزمی می‌باشیم. درواقع، این امر نشان‌دهندهٔ توسعهٔ صنعت اسلحه‌سازی در عصر تیموری است. بنابراین، با بررسی نگاره‌های رزم مکاتب شیراز ۸۳۹ ه.ق و هرات ۸۷۲ ه.ق، که براساس کتاب ظفرنامهٔ یزدی تصویر شده‌اند، می‌توان به بخش اعظمی از رزم‌افزارهای مورد استفاده در دورهٔ تیموری پی بُرد. در نگاره‌های رزم مکتب شیراز که برای ابراهیم سلطان – از نوادگان تیمور– تصویر شده‌اند، همانند کتاب ظفرنامهٔ یزدی، برای نشان‌دادن قدرت خاندان و مهم‌تر از همه فتوحات تیمور گورکانی بوده‌اند. که به‌جای نشان‌دادن صحنه‌های نبرد میان سپاهیان تیمور و دشمن، بیش از همه بر خود تیمور به‌عنوان یک شخص مقتدر و مجهز به ادوات رزمی همچون شمشیر، تیر و کمان، ساق‌بند، زره، کلاه‌خود، زره اسب ... توجه دارد. درواقع، این عدم توجه به سپاه تیموری و در حاشیه قراردادن افراد سپاه در آثار مکتب شیراز، سبب شده تا مخاطب اثر، با رزم‌افزارهای کمتری روبه‌رو شود. حال آنکه در نگاره‌های رزم مکتب هرات ۸۷۲ه.ق، تنوع و گوناگونی بیشتری در استفاده از ادوات رزمی فلزی دیده می‌شود. اگرچه در تمام صحنه‌های

پیکار مکتب هرات، تیمور سوار بر اسب و گاهی پوشیده در زره و کلاه‌خودی به‌رنگ طلایی، تصویر شده، ولی با توجه به ازدحام جمعیت سپاهیان در میدان نبرد، توجه بر شخص تیمور کمتر شده و لذا این مسئله سبب شده است تا هنرمند برای بیان بصری صحنه‌های رزم، از ادوات فلزی بیشتری استفاده نماید. می‌توان گفت که در نگاره‌های این مکتب که متعلق به زمان حکومت سلطان حسین بوده، هنرمندان سعی کردند در کنار نشان‌دادن پیروزی‌های سپاه تیمور، به اقتدار سپاه به واسطهٔ کاربرد رزم‌افزارهای فلزی بیشتر توجه کنند.

بنابراین، تبارشناسی بیان می‌کند که تمامی رزم‌افزارهای فلزی، کاربردی برای نبرد و پیکار داشته‌اند که البته به فراخور زمانی، تعدد آن‌ها برای کاربرد متغیر است. و از لحاظ ساختار می‌توان گفت که در دورهٔ تیموری آنچه مسلم است، شمشیرهای خمیدهٔ ادوار پیش و پس از آن، به‌عنوان سلاح متداول نبوده بلکه شمشیرهای راست با تیغهٔ پهن مطابق تمام نگاره‌های مورد بررسی مرسوم بوده است. در مورد سایر رزم‌افزارها نیز می‌توان گفت احتمالاً آشکالی بوده‌اند که در گذشته و حتی اعصار بعدی نیز با اندک تغییراتی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در واقع، براساس رویکرد تبارشناسی، توجیه فتوحات تیموری در کاربرد اَدَواتی همچون شمشیر، تیر، زره اسب، کلاه‌خود مقنعه‌ای و... که نماد جنگ و قدرت است و از لحاظ ظاهری شبیه بوده و بیشترین کارایی را در نگاره‌ها داشته‌اند، کاملاً محسوس است.

پی نوشت

۱. ظفرنامهٔ شامی: ظفرنامهٔ مولانا نظام‌الدین شامی، قدیمی‌ترین تاریخی است که پیرامون زندگی و فتوحات تیمور گورکانی به سال۸۰۴ ه.ق به دستور امیر تیمور نوشته شده است، همچنین نظام‌الدین شامی، قدیمی‌ترین مورخ عصر تیموری است... شرف‌الدین علی یزدی در ظفرنامهٔ خود از ظفرنامهٔ نظام‌الدین شامی بسیار نقل کرده ولی نامی از آن نبرده است، در بسیاری از جاها نه‌تنها شرح وقایع بلکه اشعاری را که در ظفرنامه شامی آمده، بدون ذکر مأخذ منعکس ساخته است (Shami, 1984, pp.3-4).

۲و۳. در دورهٔ تیموری از نظر اَدَوات بُرنزی عمل قابل ذکری صورت نگرفته است و برعکس، طلا و نقره‌نشانی روی فولاد و آهن باعث توسعهٔ صنعت اسلحه‌سازی گردیده است.(Kuhnel, 2008, p.124)

References

Ahmadi. H. (2000). Sharaf al-Din Ali Yazdi and his Zafarnama, Book of the Month of History and Geography, 34: 21-24. [in Persian]

[احمدی، حسین. (۱۳۷۹). «شرف‌الدین علی یزدی و ظفرنامهٔ او»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۳۴: ۲۱- ۲۴.]

Amid. H. (2010). Amid's pocket dictionary. First edition. Tehran: Rahe Roshd. [in Persian]

[عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ لغت جیبی عمید، چاپ اول، تهران: راه رشد.]

Azhand, Y. (2008). Painting school of herat. First edition. Tehran: Academy of art. [in Persian]

[آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). مکتب نگارگری هرات، چ اول، تهران: فرهنگستان هنر.]

Azhand, Y. (2010). A research on Persian painting and miniature. First edition. Tehran: Samt. [in Persian]

[آژند، یعقوب. (۱۳۸۹). نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)، چ اول ، تهران: سمت.]

Azhand, Y. (2014). Painting school of shiraz. Second edition. Tehran: Academy of art. [in Persian]

[آژند، یعقوب. (۱۳۹۳). مکتب نگارگری شیراز، چ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.]

Faravashi, B. (2002). Persian Pahlavi Dictionary. Tehran: Tehran University. [in Persian]

[فره‌وشی، بهرام. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی به پهلوی، تهران: دانشگاه تهران.]

Kachuiyan, H. Zaeri, Q. (2009). Ten Basic Methodological Steps in Genealogical Analysis of Culture; Special Reference to Michel Foucault. *Journal Rahbordefarhang*. 7: 7-30. [in Persian]

[کچویان، حسین، زائری، قاسم. (۱۳۸۸). «ده گام اصلی در روش‌شناختی در تحلیل تبارشناسانهٔ فرهنگ با اتکا به آرای میشل فوکو»، راهبرد فرهنگ، ۷: ۷- ۳۰.]

Kuhnel, E. (2008). Islamic Art. (Taheri, H. Trans). Seventh edition. Tehran: Toos. [in Persian]

[کونل، ارنست. (۱۳۸۷). هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، چاپ هفتم، تهران: طوس.]

Masoudi, Z. Mahmoodinasab, A. Maarofi Aghdam, E. (2015). Research on the art of metal work, the Timurid period. The 2nd national conference on Archaeology of Iran. Mashhad. [in persian]

[مسعودی، ذبیح‌الله، محمودی‌نسب، علی اصغر، معروفی‌اقدم، اسماعیل. (۱۳۹۴). «پژوهشی بر هنر فلزکاری دورهٔ تیموری»، دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، مشهد.]

Mirjafari, H. (2006). History of Political, Social, Economic and Cultural Developments in Iran during the Timurid and Turkmen Periods. Isfahan, Isfahan: University and Samt. [in Persian]

[میرجعفری، حسین. (۱۳۸۵). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دورهٔ تیموریان و ترکمانان، اصفهان: دانشگاه اصفهان و سمت.]

Norouzian, G. (2007). Behzad and the copy of Zafarnameh Teymouri 935 AH, Journal Honarhaye Ziba, 32: 73- 80. [in Persian]

[نوروزیان، گیتی (۱۳۸۶). «بهزاد و نسخهٔ ظفرنامهٔ تیموری۹۳۵ه.ق»، نشریهٔ هنرهای زیبا، ۳۲: ۷۳- ۸۰ .]

Norouzian, G. (2007). A Book of Arrangements of Zafarnamehs in Shiraz School (A Study of Three Versions of Zafarnameh in the Ninth and Tenth Centuries), Journal Golestan Honar, 10: 73- 86. [in Persian]

[نوروزیان، گیتی (۱۳۸۶). «کتاب‌آرایی ظفرنامه‌ها در مکتب شیراز (بررسی سه نسخه ظفرنامه در سده‌های نهم و دهم)»، گلستان هنر، ۱۰: ۷۳- ۸۶.]

Pakbaz, R. (2005). Iranian painting; From long ago until now. Fourth edition. Tehran: simin and zarrin. [in Persian]

[پاکباز، رویین. (۱۳۸۴). نقاشی ایران؛ از دیرباز تاکنون. چ چهارم. تهران: سیمین و زرین.]

Rahnavard, Z. (2007). Persian art history in Islamic period: Miniature.Tehran: Samt. [in Persian]

[رهنورد، زهرا. (۱۳۸۶). تاریخ هنر ایران در دورهٔ اسلامی (نگارگری)، تهران:

بی‌جا: نشر بامداد.]
Simons. J. (2011). Foucault and the Political. (Hosseinzadeh, K. Trans). First edition. Tehran: Pokhdadeno. [in Persian]
[سایمونز، جان. (۱۳۹۰). فوکو و امر سیاسی، ترجمهٔ کاوه حسین‌زاده راد، چاپ اول، تهران: رخداد نو.]
Yarshater, E. (2004). Clothing in Iran (Encyclopedia Iranica). (Matin, P. Trans). second edition. Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
[یارشاطر، احسان. (۱۳۸۳). پوشاک در ایران زمین (از سری مقالات دانشنامهٔ ایرانیکا)، ترجمهٔ پیمان متین، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.]
Zarei, M. Dolati, M. (2017). The comparative study of battle clothing based on paintings of manuscripts in the schools of Harat and Tabriz, Journal Negareh, 44: 71- 83. [in Persian]
[زارعی، محمد ابراهیم. دولتی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی پوشاک رزم براساس مطالعهٔ نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز، فصلنامهٔ نگره، ۴۴: ۷۱- ۸۳.]
Zoka, Y. (1971).The Imperial Army of Iran (From Cyrus to Pahlavi). Tehran: Ministry of Culture and Arts. [in persian]
[ذکاء، یحیی. (۱۳۵۰). ارتش شاهنشاهی ایران (از کوروش تا پهلوی)، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.]
http://www.metmuseum.org(2019/11/26)
سمت.]
Rezanezhad, G. Shariat Panahi, S.M. (2018). Study on the form, design, and decorations of the Timurid War weapons and its reflection in Herat school paintings. Journal Negarineh Islamic Art, 15: 42- 58.[in Persian]
[رضانژاد، الهه، شریعت‌پناهی، سید ماهیار (۱۳۹۷). «بررسی فرم، نقش و تزئینات ابزارآلات جنگی عصر تیموری و بازتاب آن در نگاره‌های مکتب هرات»، فصلنامهٔ علمی ترویجی نگارینهٔ هنر اسلامی، ۱۵: ۵۸- ۴۲.]
Rostami, F. (2018). Historical Discourse Analaysis (Discourses on War and Counsel in Iranian Medieval History. Ghom: Logos. [in Persian]
[رستمی، فاطمه. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمانی تاریخ (گفتمان جنگ و تدبیر در تاریخ میانه ایران)، قم: لوگوس.]
Safa. Z. (1984). History of Persian Literature in Iran (From the end of the 8th century to the early 10th century).Vol. 4. Tehran: Ferdosi. [in persain]
[صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). تاریخ ادبیات در ایران (از پایان قرن۸ تا اوایل قرن۱۰)، ج۴، تهران: فردوسی.]
Shami, N. (1984). Zafarnama, History conquests of Timor Gurkani. Bamdad Publication. [in Persian]
[شامی، نظام‌الدین. (۱۳۶۳). ظفرنامه، تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی (ماجرای خونین قتل‌عام شهرهای ایران)، مقدمه و کوشش پناهی‌سمنانی، چاپ اول،